

دبیر کمیته کردستان محمد آستگران
Tel: 00491635112025
E-mail: moasangaran@googlemail.com

تلفن تماس با ما
Tel:0046720077654

ایسکرا ۶۷۲

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت
www.m-hekmat.com

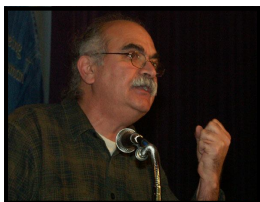
www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۴ اردیبهشت ۱۳۹۲، ۲۴ آوریل ۲۰۱۳

سرمدییر عبدل کلپریان



پیام حمید تقوائی بمناسبت روز جهانی کارگر بشریت طبقه کارگر را بمیدان فرامیخواند!

از صفحه ۴

پیام نسان نودینیان به مردم مریوان و شهرهای کردستان!

هتک حرمت زنان و در دفاع کرامت انسانی شهروندان جامعه در ایران تحت حاکمیت کثیف جمهوری اسلامی ضربه مهم، کارساز و رادیکال به حاکمیت یک مشت جنایتکار با قوانین فاشیسم اسلامی، بود. به اقدام انقلابی و رادیکال شما درود میفرستم.



اعتراض زنان سرخپوش در مریوان در (۲۶ فروردین ۹۲)، با قامتی استوار، محکم و بدون ابهام به هرنوع رجزخوانی اسلامی - مردسالارانه و عشیرتی بدون ترس از مفرات امنیتی و نظامی، علیه

زنان و مردان آزادیخواه!

اعتراض زنان سرخ پوش در مریوان در (۲۶ فروردین ۹۲)، با قامتی استوار، محکم و بدون ابهام به هرنوع رجزخوانی اسلامی - مردسالارانه و عشیرتی بدون ترس از مفرات امنیتی و نظامی، علیه

صفحه ۴

میزگرد ایسکرا در مورد اول ماه مه با:

ناصر اصغری، یدی محمودی، مظفر فلاحي، نسان نودینیان و حیدر گوپلی



در سه دهه اخیر دارد. این جنبش تلاشهای زیادی برای عرض اندام از خود نشان داده است و اکنون با اتکا به تشکلهای فی الحال موجود دستاوردهای ارزنده ای بدست آورده است. شما درسها و تجارب تاکنونی جنبش کارگری را بطور مشخص در اول مه های

صفحه ۲

عبدل کلپریان: در این شماره از ایسکرا گفتگویی دارم با صاحبنظران و دست اندر کاران مسایل کارگری در رابطه با اول مه. سئوالم را اینگونه مطرح میکنم: جنبش کارگری، اعتراضات و مبارزات کارگری در شهرهای کردستان پیشینه و سنت پایداری

میدان سرباز مریوان و میدان التحریر قاهره!



محمد امین کمانجر

صفحه ۸

مختصری در مورد وضعیت شغلی کارگران در کردستان!



بیستون بیگ زاده

صفحه ۸



بدون سکه! در ستایش مردان زنانه پوش

عبدل کلپریان

در نشریه آزادی زن سه مطلب در مورد واقعه مریوان منتشر شده است. سهیل ترکیه و چیمین دارابی بحق از اقدام زنان مریوان آنگونه که شایسته است دفاع کرده اند. مطلبی هم از عباس رضایی تحت عنوان "آن روی سکه!" در حاشیه مردان زنانه پوش" و در همین مورد در این نشریه

صفحه ۶

صفحه ۵ کمپین دفاع از زنان سرخپوش مریوان جهانی میشود

صفحه ۵ اعلام کمپین جهانی اعتراض به توهین بیشرمانه جمهوری اسلامی به زنان

صفحه ۶ رژیم به وحشت افتاده، اعلام حکومت نظامی و قرق خیابانها در مریوان

صفحه ۹ "زن بودن ابزار تنبیه و تحقیر هیچکس نیست" این یک انقلاب است!

صفحه ۱۱ مختصری از تاریخ یک دوره / عبدل کلپریان / بخش ششم

صفحه ۱۲ نسان نودینیان می پرسد، زنان سرخپوش جواب میدهند!

اطلاعیه زنان سوسیالیست سنندج

در محکومیت نمایش اخیر عاملان

صفحه ۷ حکومتی در مریوان

اگر سجایای انسانی ثمره محیط است پس محیط را باید انسانی نمود

حرکت اعتراضی و شورانگیز زنان در مریوان

نیازمند حمایتهای سراسری است

عبدل کلپریان

صفحه ۱۰

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

میزگرد ایسکرا در مورد اول مه ...

از صفحه ۱

گذشته چگونه توضیح می دهید و چه راهکارهایی را در اوضاع سیاسی و اقتصادی امروز برای رفتن به استقبال يك اول مه با شکوه مطرح می کنید؟



ناصر اصغری: من درباره اول ماه

ه های سالهای گذشته نظراتم را در نوشته ها و به مناسبتهای مختلفی نوشته ام. اما با درس گیری از تجارب سالهای متأخرتر، اجازه بدهید به دو نکته اشاره کنم. و بخاطر اینکه فکر می کنم این دو نکته مهم هستند، روی همین دو نکته تمرکز می کنم که در میان نکات دیگر گم نشوند.

۱ جمهوری اسلامی انتظار دارد که فعالین کارگری بار دیگر هم با قدرت به استقبال اول مه بروند. شرایط کاملاً متفاوت است و جمهوری اسلامی گرچه همیشه در بحران بوده، اما امسال بحرانهایش چنان عمیق هستند که خودشان هم تظاهر نمی کنند که وضع عادی است! پتانسیلی اعتراضی بسیار بالایی در جامعه و مشخصاً در بین کارگران بخاطر فقر بیسابقه ای که جامعه را فرا گرفته و زندگی کارگران را تباه کرده است، موجود است و با اتکا به همین موقعیت و همین پتانسیل، به نظر من امکان برگزاری اول ماه مه قدرتمندتر از همه سالهای گذشته وجود دارد.

واضح است که رژیم تهدید به سرکوب کرده و چند ماه قبل از اول مه فعالینی را از احضار و دستگیر کرده است، اما دست زدن به این تحركات از سرضعفش است نه از سر موضع قدرت. خودشان هم این را می دانند. سالهای قبل هم به همین نوع اعمال ایدئانی روی می آورد و می دید که کارگران دست به برگزاری مراسم اول ماه مه و در فضائی کاملاً نظامی و امنیتی می زدند. به همین دلیل به پتانسیل اعتراضی بالا در جامعه اشاره کردم که با اتکا

به تجارب سالهای گذشته و با اتکا به همین فضای اعتراضی بالا، باید دست به برگزاری اول مه باشکوه تری بزنیم. باید نیرویمان را متمرکز کنیم و حتماً دست به اتحاد عمل و پیشبرد يك اول مه شایسته جنبش کارگری این دوره بزنیم. این ما را به نکته دوم می رساند.

۲ گفتم که باید نیرویمان را متمرکز کنیم و به اتحاد عمل وسیع فکر کنیم. محافل کارگری و فعالین این محافل باید این امر را درک و لمس کنند که دست زدن به مراسمهای پراکنده و کوچکتر به برگزاری يك اول مه باشکوه ضربه خواهد زد! به نظر من می شود به برگزاری مراسمهایی در بیرون شهر و در کوهها و کوه پایه ها و محافل خودمانی و غیره هم دست زد؛ اما باید در هر شهری حداقل يك مراسم مهم و سازمانیافته و متحد برگزار شود که ضرب شستی به رژیم نشان بدهد. من فکر می کنم که تجارب حداقل یکی دو سال گذشته نشان می دهد که کشاندن محافل کوچکتر به بیرون از شهرها برای برگزاری مراسمهای اول مه، هم نیرویمان را تحلیل می برد و هم از انظار جامعه برای پیوستن بخش وسیعتری از توده مردم و کارگران به این مراسم دور نگه می دارد. هر چه نیرویمان قویتر و بیشتر باشد، امکان موفقیت بیشتر است. هر چه متحدتر باشیم، امکان ضربه پذیری کمتر است. هر چه کارهایمان توده ای تر باشد، از پشتیبانی توده ای بیشتری برخوردار خواهد بود. هر چه دور از چشم جامعه باشیم، در نشان دادن قدرت و اهدافمان محدودتر خواهیم ماند. هر چه متحدتر ظاهر شویم، امید جامعه به ما بیشتر خواهد شد.



یغی محمودی: با سلام و درود به همه خوانندگان نشریه ایسکرا، من فکر می کنم همچنانکه در خود

سوال هم مطرح است، جنبش کارگری ایران با برگزاری باشکوه اول مه ها در گذشته قدمهای مهمی را در پیوستن به جنبش جهانی طبقه کارگر برداشته و امروز کمتر نهاد و سازمان و تشکل کارگری است در دنیا که اخبار مبارزات کارگران ایران را تعقیب نکنند، بخش زیادی از فعالین کارگری ایران امروز جزو رهبران خوش نام جنبش طبقه کارگر در سراسر دنیا هستند و سرکوبگری و توحش رژیم اسلامی در مقابل خواست و تلاش کارگران آزادیخواه ایران امروز زیانزد خاص و عام است. در خود ایران نیز کارگران و تشکلهای موجود امروز بخشی بسیار مهم از اعتراض و تعرض جنبش طبقه ما به فقر و فلاکت، گرانی، بیکاری، تورم لجام گسیخته و عامل اصلی این همه بدبختیها یعنی دولت هار اسلامی و سرمایه داران است و راستش من فکر می کنم اول مه های گذشته نقش بسیار جدی و حیاتی در متحد و متشکل کردن کارگران و فرموله کردن خواسته های آنان داشته و به این معنا اگر از هر زاویه ای به جنبش کارگری ایران و مبارزات و خواسته های آنان نگاه کنیم نقش مراسمهای اول مه و تلاش فعالین کمونیست و برابرطلب جنبش کارگری در این باره بسیار برجسته و حیاتی است.

اما در مورد اول مه امسال، امسال ما در شرایط بسیار جدید و متفاوتی به استقبال اول مه می رویم که از نظر من اینها مهمترین فاکتورهایی است که می تواند تاثیر بسزائی در هر چه بهتر برگزار کردن اول مه نقش ایفا کند. بحران اقتصادی دنیا و انقلابات منطقه خاورمیانه و همچنین تعرض مردم به دولتها و صاحبان سرمایه بیش از هر زمانی امید به رهای از شر جنایتکاران، دیکتاتورها و حکومتهای مستبد را تقویت کرده و اعتراض و اعتصابات و خیابان به بخشی جدائی ناپذیر از جنگ و جدال مردم با دولتها تبدیل شده. در ایران تحت حاکمیت حکومت دزدان و قاتلان اسلامی اوضاع از این هم بدتر است، از طرفی بحران سیاسی و اقتصادی، دزدی و چپاول سرپای رژیم منحوس اسلامی را فرا گرفته، این رژیم امروز بیش از هر زمانی بی پرده تر مورد تنفر و انزجال عظیم اکثریت جامعه قرار گرفته است، از

طرف دیگر امروز ما در ایران با جامعه ای روبرو هستیم که میلیونها نفر محتاج يك لقمه نانند، بیکاری و گرانی و فقر و فلاکت به اوج خود رسیده، دستمزدهای ناچیز و معوقه زندگی اکثریت جامعه را با مخاطرات جدی روبرو کرده، و رژیم هار اسلامی با زور، سرکوب، شکنجه و زندان و اینبار بر خلاف ۳۵ سال قبل از سر و وحشت از انقلاب مردم دست به این جنایتکاریها می زند. تلاش امروزشان دیگر نه برای نجات این حکومت از بحران، بلکه بیشتر برای امروز به فرذا رساندنشان است. اول مه متحدانه امسال با وجود همه تلاشهای رژیم کثیف اسلامی علیه آن می تواند به نقطه پرشی در پیشبرد يك دور دیگر از مبارزه کارگران و مردم ایران علیه یکی از جنایتکارترین حکومتهای دنیا، یعنی جمهوری اسلامی باشد. در مورد راه کارها و شیوه های برگزاری اول مه قطعاً می شود به بسیاری از نمونه های موفق دو دهه گذشته کارگران ایران اشاره کرد و بخصوص ما در شهرهای کردستان شاهد بیش از دو دهه اول مه رادیکال، سرخ و کارگری با شعارها، مطالبات قطعانماها و خواسته های انسانی هستیم که با مراجعه به آن و درس گیری از نقاط قوت و ضعف آن می

توان شیوه های بسیار متفاوتی را از اول مه پیشبرد که قطعاً خیابان و بر افراشتن پرچم های سرخ و کارگری بر فراز شهرها و رژه کارگران تنها یکی از اشکال آن می باشد. ما در دو دهه گذشته در شهرهای کردستان شاهد به استقبال اول مه رفتن طیف وسیعی از کارگران و مردم آزادیخواه بوده ایم که از روشن کردن آتش بر فراز قلعه های بلند و مشرف بر شهرها، شعار نویسی، پخش شیرینی در محلات شهرها، خواباندن کار و برگزاری جشنها در کارخانه و کارگاهها، برگزاری جشنها در بیرون شهرها و در محافل کوچک و بزرگ و بلاخره گرفتن سالنهای رژه های خیابانی بوده ایم که امیدوارم امسال نیز کارگران و مردم آزادیخواه با وجود همه تلاشهای مذبوحانه حکومت دزدان و قاتلان اسلامی بتوانند همچنان مثل سالهای گذشته به استقبال اول مه بروند و کاری کنند که همه بدانند روز کارگر در راه است و چنان فضای بوجود بیآورند که رژیم

اسلامی نتواند مانع برگزاری جشنها و مراسمهای اول مه شود.



مظفر فلاهی: ضمن تشکر، در

جواب به سوال شما بگویم که مراسم روز جهانی کارگر و اول ماه مه ها در کردستان، اکنون دیگر يك سنت جا افتاده است و کارگران در کردستان توانسته اند این دستاورد گران بها و یادگار رفقای جانناخته جنبش کارگری را به فرامانطقه ای تبدیل کنند و این خود بزرگترین دست آوردی است برای کل طبقه کارگر. سنتی که با خون رفقای همچون چمال چراغ ویسی و هزاران فعال کارگری و کمونیستی پایه ریزی شده که دیگر برگشت ناپذیر است و امکان خفه کردن و به انزوا راندن آن محال است. من نظرم این است که کارگران می توانند با بهره کارگیری از تجارب تکنونی که به دست آورده اند مراسمهای مستقل خود را هرچه باشکوه تر برگزار کنند.



فنان نودینیان: با تشکر

صمیمانه از سردبیر عزیز ایسکرا رفیق عبیدل گلپریان. سوال در دو بخش جواب دارد. سوال اول درسها و تجارب تکنونی جنبش کارگری را بطور مشخص در اول مه های گذشته چگونه توضیح می دهید را من به این شکل به آن میپردازم. برگزاری مراسم و جشن و مارش روز جهانی کارگر در کردستان ایران قدمتی بیش از سی ساله دارد. این مراسمها با شروع انقلاب ۱۳۵۷ در کردستان برگزار شده اند و در هر دوره ای به نسبت اوضاع سیاسی وضعیت و موقعیت طبقه کارگر ویژگی های خودش را داشته است. يك دستاورد

میزگرد ایسکرا در مورد اول مه ...

از صفحه ۲

مهم قیام و انقلاب ۵۷ را باید در ابراز وجود سیاسی - اجتماعی طبقه کارگر تعریف کرد. در قیام ۵۷ طبقه کارگر در صنعت نفت وقتی اعلام کرد که شیرهای نفت را می بندد و تولید نفت را به کنترل درآورد عملاً کمر نظام پهلوی ها را شکست و کل نظام و سیستم را بلرزه درآورد و عملاً به سنگرم مهم و طبقاتی پیروزی قیام تبدیل شد. و با وارد شدن طبقه کارگر صنعتی در صنعت نفت و حمایت بخشهای دیگر از اعتصابات کارگران صنعت نفت پیروزی قیام تضمین شد. با ارجاع به این تاریخ فشرده است که ما میتوانیم ابراز وجود طبقاتی کارگران در مارش و جشن های روز جهانی کارگر را باز تعریف کنیم. از این تاریخ بعد است که طبقه کارگر در مراسم های روز جهانی کارگر فعالانه شرکت میکند. و بالطبع در شهرهای کردستان مراسم های اول ماه مه که تا این تاریخ برگزار نمیشد به صحنه سیاسی - اجتماعی جامعه رانده شد. اولین مراسمها در سنندج، سقز، مهاباد، مریوان، بوکان و تعداد دیگر از شهرهای کردستان برگزار شد. خواست و مطالبه این دوره از کارگران پرداخت حقوق و مزایای پرداخت نشده و بیمه بیکاری بود. در اثر قیام و اوضاع متشنج آندوره حقوق و مزایای کارگران چند ماه پرداخت نشده بود و در عین حال تعدادی از مراکز کار و تولیدی نیز تعطیل شده بودند. به همین دلیل دوخواست اساسی پرداخت حقوق و مزایای پرداخت نشده و بیمه بیکاری در راس مطالبات کارگران قرار داشت. در کردستان ایران احزاب سیاسی در شکل علنی حضور داشتند. جنبش کارگری هم تحت تاثیر افکار و آرا احزاب سیاسی بودند. بخش رادیکال این جنبش با گرایش سوسیالیستی در آن زمان کومه له تداعی میشد. هر چند کومه له کار در شهرها و فوکوس بر روی سازماندهی در شهرها و مضافاً بر روی کارگران را در اولویت خود قرار نداده بود. با این وجود، کارگران رادیکال و سوسیالیست با گرایش چپ و رادیکال خود را هماهنگ و تداعی میکردند. با تشکیل حزب کمونیست ایران

شده است. اولین مساله هماهنگی، و نزدیکی کارگران کردستان با بخشهای صنعتی و مرکزی از صنایع مرکزی کارگران در شهرهای تهران، اصفهان، خوزستان و دیگر مراکز صنعتی است. کارگران در کردستان و بخشی پیشرو از رهبران با جنبش کارگری در سطح سراسری در تماس و در همکاری های نزدیکی است. طومار سی هزار امضا و مشارکت بخشهایی از رهبران کارگری از شهرهای کردستان نیز به استحکام و ارتباط کارگران کمک کرده است. و دستاورد مهم دیگر را من میتوانم در تعیین بخشی کارگران و تعداد بسیار زیادی از رهبران کارگری در شهرها را اشاره کنم. امروز بخشهای زیادی از کارگران بعنوان شخصیت های مهم و قابل اتکا که در دوره های مهم تاریخی منافع کل جامعه و طبقه کارگر، معلمان، پرستاران و حقوق کودکان و جنبش برابری زنان را نمایندگی کرده اند، در ابراز وجود اجتماعی و دفاع از منافع آنها فعالانه کار کرده و مبارزه کرده اند، حضور دارند. که به نظر من این دستاورد بسیار مهمی است. و این به این معنی است که کارگران در شهرهای کردستان میتوانند بر تحولات جاری و در دفاع از منافع کارگران و کل مزدبگیران جامعه ظاهر شوند و سرنوشت طبقه کارگر و مزدبگیران جامعه را راحت به دست بپوشانند و نظام های استبدادی نسپارند. و اما بخش دوم سوال شما، چه راهکارهایی را در اوضاع سیاسی و اقتصادی امروز برای رفتن به استقبال يك اول مه با شکوه مطرح می کنید؟

به نظر من گرهی ترین خواست و مطالبه ای که بتواند در شرایط و اوضاع اقتصادی کنونی کارگران را متحد و آنها را برای اعتراضات سراسری و بویژه در اول ماه مه فعال کند، افزایش دستمزدها است. مصوبه ضد انسانی شورای عالی کار و دولت که کمتر از نیم میلیون اعلام شده است، کارگران و کل مزدبگیران جامعه را به فقر و فلاکت برده است. از دو نیم میلیون تومان به پایین یعنی خط فقر. در حالیکه دستمزد فعلی هنوز ۵ برابر از همین خط فقر هم پایین تر است. و در عین حال کارگران از اول ماه مه

۹۱ مبارزه و اعتراضات خود را در اشکال مختلف، در شکل طومار سی هزار امضا که از ۸ استان و مراکز کارگری تهیه شده و در شکل تحصن و تجمعات در مقابل مجلس شورای اسلامی شروع کرده اند. هم اکنون مبارزاتی کوبنده و تعطیل ناپذیر بر سر افزایش دستمزدها در جریان است. اول ماه مه امسال باید بتواند جوابی قاطع و البته با متحد کردن کارگران و برای آماده شدن به اعتصابات سراسری و تجمعات سراسری را آماده کند. به نظر من نکته گرهی جمع کردن و متشکل کردن کارگران حول افزایش دستمزدها است. به نظر من اول ماه مه امسال می رود که نقطه عطف مهم و تعیین کننده ای در مبارزات کارگری در سطح سراسری ایجاد کند. و موقعیت کارگران را برای رو در رویی های تعیین کننده و بویژه بر سر افزایش دستمزدها را بالاتر ببرد. میزان تشکل پذیری و اتکا به تصمیمات جمعی کارگران در شکل مجمع عمومی را تقویت کند.



حیدر گولی: در جواب به سوال

شما باید بگویم به نظر من در اول ماه امسال، کارگران، فعالین جنبش کارگری و تشکلهایشان با توجه به دستاوردهای تاکنونی می توانند و قادر هستند اول مه روز جهانی کارگر را بر مبنای همین دستاوردها هرچه گسترده تر و با شرکت دادن و دخیل کردن توده هر چه وسیعتری و برای طرح خواست و مطالباتشان این روز را آنگونه که شایسته این جنبش است برگزار کنند.

و تا آنجایی که من بخاطر دارم یکی از تجارب گرانیهایی که باید بطور ویژه جنبش کارگری بخصوص رهبران و فعالین کارگری روی آن تکیه بیشتری داشته باشند همبستگی طبقاتی است که همیشه بصورت بدهیات خود را نمایان می

کند. اما همیشه در عمل جنبش کارگری و فعالین و دست اندرکاران در این جنبش بعضاً تحت تاثیر عوامل بازدارنده در درون جنبش کارگری که سبب تفرقه در میان آنان می شود قرار می گیرند. این عوامل خود را در دسته یا گروه مجزا از یک تشکل سراسری تر و متحد کننده تر خود نشان می دهد و ممکن است در دام منافع گروهی که تا حدودی به صورت عادات درآمده بیافتند. این سبب می شود که در مراسمهای اول مه یا در اعتراضات بر سر خواستهای روزمره کارگری کمتر قدرت بسیج و همه جانبه ای رادرمیان کل طبقه کارگر را ایجاد کند. یک بار برای همیشه باید به این موانع پایان داده شود. قدرت طبقه کارگر در اتحاد و تشکل سراسری اوست.

بنابراین با استفاده از این تجارب و دستاوردهای چند سال اخیر، امسال فعالین و دست اندرکاران جنبش کارگری در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی با بحران سیاسی، اقتصادی و اجتماعی عظیم تری روبرو است و جناحهای رژیم به جان همدیگر افتاده اند، می توانند قدرتمند تر از هر دوره ای به میدان بیایند و مطالبات خود را خواستار متحد و سراسری تری را حول خواستهایشان ایجاد کنند. باید کل بخشهای مختلف از معلمان، پرستاران و تمامی بخشهای مختلف تولیدی و خدماتی جامعه را برای چنین حرکتی بسیج، سازماندهی و نمایندگی بکنند. اول ماه مه امسال را می توان به سرآغازی برای گسترش اعتراضات توده ای و سراسری تبدیل کرد. بدون شك با چنین ظرفیت بالایی در متحد و متشکل ظاهر شدن و عمل کردن، مقدمات حرکتی بزرگتری نظیر اعتصابات سراسری برای پایان دادن به فقر و فلاکت موجود را برای آینده ای بهتر نوید خواهد داد.

زنده باد اول ماه مه
زنده باد آزادی و برابری

عبدل گلپریان: با تشکر از شما عزیزان که در این میزگرد شرکت کردید.*

از صفحه ۱ پیام نسان نودینان به ...

پیام حمید تقوایی بمناسبت روز جهانی کارگر بشریت طبقه کارگر را بیدار فرامیخواند!

این پیام بویژه در ایران تحت سلطه جمهوری اسلامی که منجلا ب سرمایه در شکل یک حکومت مذهبی قرون وسطایی همه چیز را به قهقرا کشیده است، بیش از هر جامعه دیگری حقانیت و ضرورت خود را نشان میدهد. در ایران تحت سلطه حکومت اسلامی سرمایه پرچم مبارزه نه تنها علیه فقر و استثمار نابرابری، بلکه مبارزه ضد مذهبی، مبارزه علیه آپارتاید جنسی و علیه اعدام و سرکوب و علیه توحش سرمایه اسلامی شده نیز در دست طبقه کارگر است.

جامعه ایران آستان تحولات زیر و رو کننده ای است. این تحولات بدون عروج طبقه کارگر در عرصه سیاست و در بجالش کشیدن قدرت سیاسی و بدون حضور فعال چهره ها و فعالین و نهادهای کارگری در پیشاپیش مبارزات زنان و جوانان و نود و نه در صد مردم منتظر از رژیم اسلامی، میتواند به هر نتیجه ای منجر بشود بجز رهائی و آزادی جامعه. اول مه امسال بویژه روز تاکید بر این واقعیت است که خلاصی از شر حکومت اسلامی سرمایه و تحقق آزادی و رهائی و برابری و رفاه تنها میتواند با قدرت گیری طبقه ای تامین بشود که در استثمار و سود و رقابت و انباشت سرمایه، و در اسلامیت و قومیت و ناسیونالیسم و خاکپرستی مستلزم سلطه سرمایه، مطلقا هیچ منفعتی ندارد. راه پیشروی و پیروزی، راه بزیر کشیدن جمهوری اسلامی و راه خنثی کردن نیروهای ارتجاعی مذهبی و قومی و دولتهای غربی و منطقه ای که برای دخالتگری در فردای ایران خود را آماده میکنند عروج قدرتمند طبقه کارگر با حزب سیاسی اش، حزب کمونیست کارگری، و با کلیه نهادها و چهره ها و تشکلهایش در دل و در راس مبارزات توده ای است. این پیام اول ماه مه امسال برای نجات مردم ایران از منجلا ب اسلامی سرمایه است.

فلسفی، و از لحاظ افق و چشم اندازی که در برابر بشریت قرار میدهد نیز کاملا دچار بحران و سردرگمی شده است.

این وضعیت بیش از هر دوره دیگری در تاریخ طبقه کارگر را بیدار فرامیخواند. طبقه کارگر بعنوان نیروی اصلی در هم کوبیدن نظم ضد انسانی سرمایه داری و نیروی رها کننده بشریت عصر ما از دنیای پر از تبعیض و نابرابری یک درصدیها! تجربه جنبشها و انقلابات چند سال اخیر بروشنی دو واقعیت پایه ای دوران ما را مورد تاکید قرار میدهد: اول اینکه طبقه کارگر در نبرد دوران ساز خود با سرمایه اکثریت عظیم مردم را در کنار خود دارد و دوم اینکه بدون طبقه کارگر بدون رهبری سیاسی و اعمال قدرت این طبقه مبارزات و جنبشها و انقلابات توده ای راه بجائی نخواهند برد. چشم انداز و افق و آلترناتیو طبقاتی کارگران یعنی سوسیالیسم و تنها سوسیالیسم میتواند بشریت را از منجلا ب که سرمایه داری برای او ساخته است نجات بدهد. از نظر شیوه های مبارزه نیز این طبقه کارگر است که نهایتا با اعتصابات خود و با از کار انداختن چرخ تولید میتواند بر سلطه سرمایه داران نقطه پایان بگذارد. بیدار آمدن طبقه کارگر در سطح سیاسی و بعنوان نماینده آینده بشریت و از لحاظ عملی و مبارزاتی بعنوان نیروی که شیشه عمر سرمایه را در دست دارد، در رهائی بشریت نه تنها از استثمار و بردگی مزدی، بلکه از شرایط قرون وسطایی که نمایندگان مذهبی و قومی و ملی سرمایه در دوره بعد از ایران تحمیل کرده اند، دارای نقشی مطلقا حیاتی و تعیین کننده است.

اول ماه مه امسال باید این پیام را به خیابانها برد. باید نود و نه درصدیها در همه کشورها بدانند که طبقه کارگر است که آینده بشریت را نمایندگی میکند. بدانند که راه از میان برداشتن شکاف عظیمی که بین ثروت و قدرت یک درصدیها و فقر و بی تامينی اقتصادی و بی اختیاری نود و نه در صد جامعه وجود دارد سوسیالیسم و تنها سوسیالیسم است. پیام اول مه امسال تاکید مجددی بر این واقعیت پایه ای است که: دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم منجلا بی بیش نخواهد بود.

هیچ زمان مانند امروز جهان این چنین میان دو کمپ کار و سرمایه قطبی نبوده است.

در یکسو سودها و ثروتهای نجومی انباشته شده است و در سوی دیگر فقر و ریاضت کشی اقتصادی و بیکاری و بی تامينی بیداد میکنند. در یکسو دولتها و قوانین و ارتش و پلیس و زندان و پاپ و کلیسا و آیت الله ها و اسلامون و انواع نیروها و حکومتهای قومی و مذهبی و ناسیونالیستی صف کشیده اند و در سوی دیگر توده عظیم کارگران و نود و نه در صد مردمی که از همان حداقل حقوق و خدمات اجتماعی که حاصل مبارزات طبقه کارگر در دهه های گذشته بود محروم شده و از "نظم نوین" سرمایه بجز فقر و بی تامينی و بی حقوقی بیشتر نصیبی نداشته اند. این بیان کار سرمایه داری عصر ما، سرمایه داری بازار آزاد است که با فروپاشی سرمایه داری دولتی کمپ شرق بیش از سه دهه است افسار گسیخته و بلامناعز بر جهان حکومت میکند.

با اینهمه امروز کمپ سرمایه بیش از هر زمان دیگر رسوا، بی افق و بی چشم انداز است. جنگ و دیکتاتوری و فقر و نابرابری، و همچنین نیروها و حکومتهای مذهبی و قومی سرکوبگر از نوع جمهوری اسلامی همه مستقیما و بلاواسطه و عریان و آشکارتر از همیشه حاصل سلطه سرمایه داری و از ملزومات حفظ و بقای این نظام ضد انسانی است. دیگر جانی برای هیچ عذر و بهانه و توجهی باقی نمانده است. نه مانند گذشته نابرابریها و مصائب اجتماعی و فقر و اختناق و توحش حکومتهای قومی و مذهبی را میتوان به عدم رشد صنعت و وجود عقب ماندگیهای فتودالی و نیمه فتودالی نسبت داد و نه مانند دوره جنگ سرد، فقر و کشتار و توحش و دیکتاتوری را میتوان با ضرورت رقابت و مقابله با بلوک شرق توجیه و تظهير کرد. مسئول مستقیم تمام مصائب جهان امروز مستقیما و بدون هیچ برده ساتر و عذر و بهانه ای نظام سرمایه داری آنهم در شکل کلاسیک و "تاب" سرمایه داری بازار آزاد است و بس. به همین دلیل است که امروز سرمایه داری نه تنها از نقطه نظر اقتصادی، که همه به آن معترف اند، بلکه از نقطه نظر تبیین و توضیح جهان، از نقطه نظر دکتترین و مکاتب سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و

فوری مردم شهر از این اعتراض باید مورد بیشترین حمایت و پشتیبانی قرار بگیرد. در مراکز شهرهای کردستان، با پوشیدن لباس قرمز و با پلاکارد دفاع از کرامت و حقوق انسانی زنان و اینکه "ما همه زنان سرخپوش مریوان هستیم" و اینکه "هر نوع شکنجه، ارباب، تحقیر و اعمال فشار فکری و روانی بر افراد بازداشتی، متهمین و محکومین مطلقا ممنوع است و

مبادرت به آن جرم جنایی محسوب میشود" با اقدامات اعتراضی و سمبولیک، اعتلا و ارتقا جنبش اعتراضی زنان در شهرها ایران را وارد موقعیت نوین و تعرضی، کنید. با اقدامات سمبولیک خود نگذارید فضای رادیکال و انقلابی را به میدان فضای امنیتی کردن شهرها تبدیل کنند. هم اکنون جنگ و دعوی مزدوران جمهوری اسلامی تحت فشار این اعتراضات در ارتباط با احکام دادگاه قضایی و اقدامات ضد انسانی مامورین مزدور جمهوری اسلامی در مریوان بالا گرفته است. لگد پراکنی های این مزدوران را بخودشان بسپارید تا هر چه در توان دارند یکدیگر را لت و پار کنند. اینها نمایشهای مضحکه ای است که در طول سی سال گذشته انجام داده اند. بر ماست در چنین شرایطی که فضای تعرض و همبستگی بالا گرفته در دفاع از حقوق و در دفاع از کرامت انسانی مان به اعتراض رادیکال و انقلابی ادامه دهیم.

زنان و مردان آزادخواه!

رژیم جنایتکار اسلامی تاکنون تعدادی از زنان و مردان معترض را دستگیر کرده است. با اقدامات وسیع اعتراضی در مقابل مراکز و لانه های مزدوران جمهوری اسلامی بویژه در مقابل دادگاه قضایی تجمع کنید و برای اعتراضات متحدانه بنزید. خانواده دستگیر شدگان را تنها نگذارید، همراه آنها خواستار فوری و بدون قید و شرط شان شوید.

۳۱ فروردین ۱۳۹۲

۲۰ آوریل ۲۰۱۳

رادیکالش در زمره اقدامات مهم و انقلابی زنان برابری طلب و مدافع کرامت انسانی، است. این اعتراض و پیام تجمع کنندگان روز ۲۷ فروردین در ساحل روزخانه "زری وار" با اعلام "هیچ کس مجرم دنیا نمی آید" مانیفست جامعه شهروندی و مدرن امروز در دفاع از کرامت انسانی و در دفاع از حقوق "متهم"ی است که بر تن او لباس زنانه کرده بودند.

این حرکت اعتراضی و بموقع ادامه خشم و ناراضی میلیونها زن در ایران تحت حاکمیت سیاه رژیم جنایتکار اسلامی است که کل قوانین و مقررات و ساختار حکومتی اش بر سنت و اخلاق و روش اسلامی و مردسالارانه پایه ریزی شده است.

مردم مریوان در جواب به فراخوان خانواده زانیار و لقمان مرادی با اعتصاب و اعلام ناراضی به حکم فرزندانشان الگویی اجتماعی و قابل عملی از اتحاد و همبستگی را به نمایش گذاشتند. دست به اعتصاب زدند و عملا در مقابل قوانین وحشی اعدام ایستادند. و در روزهای ۲۶ و ۲۷ فروردین ۹۲ بار دیگر و اینبار با اعتراضات کوبنده و حضور در خیابانهای شهر در مقابل یک اقدام شنیع و غیر انسانی ماموران قضایی و نظامی جمهوری اسلامی نمونه ای رادیکال از جنبش اعتراضی میلیونها نفر از شهروندان در ایران را علیه قوانین و بربریت جمهوری اسلامی به خیابانها کشاندند.

مردم شهرهای کردستان!

زنان سرخپوش مریوان الگویی مدرن، انسانی با پرچم دفاع از حرمت و کرامت انسانی و در دفاع از حقوق برابر زنان و مردان در مقابل احکام شنیع دادگاه قضایی جمهوری اسلامی در شهر مریوان، که در اقدامی عوامفریبانه، مردی را با لباس زنانه در خیابانهای شهر عبور دادند، احکام ضد انسانی آنها را به رسوایی دیگر، اما اینبار با اعتراضی ماندنی در تاریخ جنبش مردم ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی، به نمایش درآوردند. اعتراض انقلابی زنان سرخپوش مریوان و سپس حمایتهای صمیمانه



کمپین دفاع از زنان سرخپوش مریوان جهانی میشود



حکومت اسلامی ایران در شهر مریوان نمایندگان سازمانهای زنان کردستان و فعالین حقوق زن برای بررسی چگونگی اعتراضات در شهر سلیمانیه جمع میشوند. فردا دوشنبه ساعت ۲ بعد از ظهر محل قهوه خانه که لتوری از نمایندگان همه سازمانهای مدافع حقوق زن دعوت میکنند برای بررسی و تصمیم گیری در این مورد به ما ملحق شوند.

مردم شروع به جمع آوری امضا کرده اند.

خبری نیز از جمع آوری امضا در برخی از روستاها و شهرها به دست ما رسیده است که کمپین دفاع از زنان سرخپوش مریوان این روش اعتراضی را بسیار مفید دانسته و از همه مردم در ایران، از سازمانهای مدافع حقوق زن و از تشکلهای کارگری و همگان دعوت میکند که با جمع آوری امضا به این رفتار وقیحانه حکومت اسلامی اعتراض کرده و در کنار مردم آزادیخواه مریوان باشند.

ما از سازمانهای مدافع حقوق زن در سطح بین المللی و از همگان دعوت میکنیم به این جنبش اعتراضی مهم بپیوندند.

کمپین دفاع از زنان سرخپوش مریوان ۲۱ آوریل

اطلاعیه شماره ۴ کمپین دفاع از زنان سرخپوش مریوان حرکت جهانی میشود.

من از برابری زن و مرد در ایران و کردستان دفاع میکنم. عکس يك جوان که در سایت اینترنتی فم- فرانسه پخش شده و به همراه آن در سایت اینترنتی فم توضیح داده شده است که؛ در روز دوشنبه در شهر مریوان حکومت اسلامی ایران يك مرد را با لباس زنانه در شهر چرخاند و زنان و مردان آزاده به این اعتراض کردند و مردان زیادی با پوشیدن لباس زنانه به این رفتار اعتراض کرده اند. ما هم به این حرکت می پیوندیم و اعتراض میکنیم.

<https://www.facebook.com/francefemen>

دعوت به يك جلسه برای سازماندهی اعتراض در سلیمانیه عراق جمعی از مدافعین حقوق زن و مدافعین حقوق انسانی فردا دوشنبه در سلیمانیه تجمع میکنند تا برای سازمان دادن اعتراضات در سلیمانیه عراق و در کردستان عراق در دفاع از اعتراض زنان و مردان آزاده مریوان اقداماتی را در دست بگیرند.

اطلاعیه این نشست به دست ما رسیده که در آن نوشته اند: برای آگاهی عمومی به منظور به راه انداختن اعتراض در مقابل رفتار

او را از همه حقوق انسانی محروم کرده اند چرا که جنسیت او زن است. این آپارتاید و زن ستیزی در ایران قانون است و اکنون رژیم با بر تن مردان لباس زنانه کردن میخواهد آنها را مجازات کند و این قانون و رفتار قرون وسطایی او با اعتراض زنان و مردان مواجه میشود.

ما از این حرکت دفاع میکنیم و از مردم کردستان و ایران و جهان میخواهیم از این حرکت مهم اعتراضی دفاع کنند. این اعتراضی است به زن ستیزی آشکار و همچنین تحقیر جوانان و "مجازاتهای" قرون وسطایی يك حکومت ارتجاعی و ضد انسان.

فتنه "جنبش برای رهایی زن" اولین کمپین اعتراضی خود را با دفاع از زنان سرخپوش مریوان و اعلام کمپین جهانی در دفاع از حرکت اعتراضی زنان و مردان آزادیخواه مریوان آغاز میکند.

ما روز ۲۷ آوریل شنبه هفته آینده را روز جهانی ابراز همبستگی بین المللی با زنان و مردم مریوان اعلام کرده و بهر طریق ممکن خواهیم کوشید از این حرکت اعتراضی دفاع کنیم. از رسانه ها و خبرنگاران علاقمند دعوت میکنیم با تماس گرفتن با فعالین این حرکت و مردم مریوان، صدای اعتراض آنها را منعکس کنند.

مریم یکی از فعالین این حرکت در تماس با ما گفت: حرکت اعتراضی ما هم علیه زن ستیزی آشکار و تحقیر و توهین به زنان و هم علیه توهین به مردان و گرداندن آنها در شهر و بی حرمتی به انسان است. این حرکت شایسته دفاع زیاد است و ما از مردم دنیا میخواهیم از ما دفاع کنند

فتنه "جنبش برای رهایی زن" از همگان دعوت میکند به این کمپین بزرگ بپیوندند.

اعلام کمپین جهانی اعتراض به توهین بیشترمانه جمهوری اسلامی به زنان کمپین دفاع از زنان سرخپوش مریوان

در يك اقدام اعتراضی در سایتهای اینترنتی مردان زیادی با پوشیدن لباس زنانه و علنی کردن عکسهای خود، به این رفتار حکومت اسلامی اعتراض میکنند. فضای اینترنت پر از پیامهای همبستگی با زنان سرخپوش مریوان و اعتراض علنی آنها و همچنین همبستگی مردان میشود.

در میتینگ اعتراضی روز جمعه مردم حاضر در تظاهرات در پلاکاردهایشان نوشته شده: زن بودن ابزار تحقیر و تنبیه هیچکس نیست، و یا اینکه انسان ذاتا مجرم نیست، مناسبات اجتماعی افراد را مجرم میکند!

جمهوری اسلامی ایران که این حرکت گسترده اجتماعی را شاهد بوده و می شنود که ممکنست در اعتراض به این رفتار حکومت، در مریوان اعتصاب عمومی بشود و شهرهای دیگر کردستان و یا ایران نیز ممکنست اعتراض کنند، فوراً عقب نشینی کرده و در رسانه های حکومتی از اعتراض نمایندگان مجلس به این رفتار "پلیس" و از تصمیم پلیس بدون حکم دادگاه و قاضی حرف میزند و در نهایت روز گذشته اعلام کردند که ممکنست پلیس از مردم و زنان مریوان معذرتخواهی کند.

اعتراض زنان و مردم مریوان حکومت را دستپاچه کرده و دنبال يك راه فرار است. اما واقعیت اینست که زن در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی سی و چهار سال است که سیستماتیک سرکوب میشود و منبع فساد و فتنه معرفی میشود و در قانون این حکومت خونس نصف خون مرد ارزش دارد و



دوشنبه ۲۶ فروردین ۱۳۹۲ برابر با ۱۵ آوریل ۲۰۱۳، جمهوری اسلامی در شهر مریوان در کردستان ایران يك مرد را با روسری و لباس زنانه در شهر چرخاند و از این طریق او را "مجازات" کرد. این رفتار شنیع حکومت زن ستیز اسلامی با اسکورت چندین ماشین پلیس و با نشانه رفتن اسلحه بسوی مردم حاضر در محل انجام گرفت!

این اشد مجازات برای يك مرد در فرهنگ و سنت و سیستم حکومت اسلامی و اسلام است. زن و لباس زنانه مایه سرافکنندگی و خوار شدن مرد است. لینک فیلم گرداندن يك مرد در مرکز شهر مریوان:

<http://observers.france24.com/content/20130419-iran-police-punish-man-dress>

در عکس العمل به این رفتار شنیع حکومت اسلامی و در توهین بیشترمانه به زنان، تعدادی از زنان در مریوان، روز سه شنبه به يك حرکت اعتراضی دست زده و در خیابان با صدای بلند به این بیشرمی حکومت اسلامی اعتراض کرده و از همه مردم دعوت میکنند به این حرکت بپیوندند. بعد از چند دقیقه بیش از چهارصد نفر به حرکت اعتراضی زنان مریوان پیوسته و يك راهپیمایی بزرگ در شهر انجام میشود. مامورین حکومت اسلامی به این تجمع اعتراضی حمله کرده و با دستگیری چند نفر تلاش می کنند جلوی این اعتراض را بگیرند. دستگیرشدگان چند ساعت بعد آزاد میشوند.

روز جمعه ۱۹ آوریل يك تجمع اعتراضی دیگر در مریوان انجام شد و زنان و مردان آزاده به این رفتار حکومت اسلامی مجددا در شهر مریوان اعتراض کردند.

آدرس پستی

Marvay Namazie
 BM BOX 1616, London WC1N1XX, UK
 E-mail: fitnah.movement@gmail.com
 Blog: http://fitnahmovement.blogspot.co.uk
 Website: www.fitnah.org
 Facebook: www.facebook.com/fitnahmovement

میا احدی ۰۰۴۹۱۷۷۵۶۹۲۴۱۳
 کیوان جاوید ۰۰۴۴۷۸۶۱۴۷۶۸۶۹
 مریم نمازی ۰۰۴۴۷۷۱۹۱۶۶۷۳۱

نفس ستمگشی و فرودستی زن اختراع سرمایه داری نیست. اما سرمایه داری این میراث نفرت انگیز تاریخ پیشین را تکامل بخشیده و به یک رکن مناسبات اقتصادی و اجتماعی معاصر بدل کرده است. ریشه نابرابری و بی حقوقی امروز زن، نه در افکار کهنه و میراث فکری و فرهنگی نظام ها و جوامع منقرض شده و پیامبران و مذاهب عصر جاهلیت، بلکه در جامعه سرمایه داری صنعتی و مدرن امروز نهفته است.

بدون سگه...

از صفحه ۱

اقدام شجاعانه زنان سرخ پوش میروان است به حاشیه رانده است. ظاهراً نویسنده برای اینکه مردان فقط لباسهای کردی بتن کرده اند، آنرا حرکتی ناسیونالیستی، ارتجاعی، می توانست مدرن و انسانی باشد و یا اینکه اگر لباس دیگری غیر از لباس محلی زنانه کردی به تن "مجرم" می پوشاندند آقایان از آن حرکت دفاع نمی کردند و غیره، در این نشریه مورد ارزیابی قرار داده است. "عجب تیزیستی شگرفی!"

تعرض نویسنده به مردانی است که طی یک هفته اخیر با جسارت از حقوق برابر زنان و مردان بعنوان انسان برخاستند و از آن دفاع کردند. آنچه را که در این مدت مردان و جوانان از هر گوشه ای در داخل یا خارج در حمایت از زنان سرخ پوش میروان انجام دادند حرکتی بی نظیر و بی سابقه بود. ناسیونالیستی نبود بخاطر اینکه از حقوق انسانی زن بدفاع برخاستند. در قاموس ناسیونالیسم دفاع از حقوق انسانی زن معنی ندارد.

ناسیونالیسم را از نوع و مدل لباس نمی توان استخراج کرد. ناسیونالیسم تفکر است و مرد یا مردانی که لباس زنانه به تن کنند حال هر نوع و هر مدلی که باشد، برای ناسیونالیسم کسرشان مرد محسوب می شود. بقول خودشان "سبک" است. مترجمین و ناسیونالیستهای زیادی را می توان معرفی کرد که شیک ترین لباسهای مدل غربی هم به تن می کنند و در مجالس و مذاکرات حضور بهم می رسانند.

مدرن بود چرا که سابقه نداشته است و مدرنیزم از اینجا مایه می گیرد که با این حرکت، برابری زن و مرد را بزبان امروز و با این روش به تصویر کشید. خوب می بود که منتقد این حرکت توضیحی در رابطه با مدرن نبودن می داد. این واقعه قبل از جایی از ایران آنها در مقابل زن ستیزی یک حکومت بشدت ضد زن و مرد سالار اسلامی اتفاق نیافتاده است اگر هم اتفاق افتاده است در دوران حاکمیت ارتجاع اسلامی در چنین ابعادی و در اعتراض به زن ستیزی شاهد آن نبوده ایم.

یا اینکه می گوید: "این حرکت می توانست انسانی باشد و هر چیز دیگری باشد جز این". بر عکس نظر ایشان پوشیدن لباس زنانه توسط مردان و برای دفاع از حرمت و کرامت زنان در مقابل حکومتی که زن را آدم حساب نمی کند عمیقاً انسانی و دفاع از انسانیت است، دفاع از حرمت همان مرد "مجرم" و امثال او است که احساس نکنند با این حرکت زن ستیزانه رژیم اسلامی تحقیر شده است بلکه او هم بداند که زن بودن قبل از هر چیز یعنی انسان بودن. این سوال را خیلی ساده از همه آن مردانی که لباس زنانه به تن کردند می شود پرسید و سوال کرد که اگر لباس دیگری غیر از لباس محلی زنانه کردی به تن "مجرم" می پوشاندند آیا آقایان از آن حرکت دفاع می کردند؟ من از طرف همه آن آقایان به نویسنده "منتقد" این اطمینان را می دهم که پاسخ همه آنها مثبت بود. کار سختی نیست همگی آنان را می شود در همین میدیای اجتماعی در مقابل این سوال قرار داد و پاسخ را دریافت کرد چه با لباس زنانه محلی کردی و یا هر لباس دیگری که تن "مجرم" می پوشاندند به حمایت بر می خواستند. اما یادمان باشد که اتفاقی که در میروان افتاد یک حرکت اجتماعی، مدرن، انسانی و در دفاع از حرمت و کرامت انسانی زن بود و به این اعتبار بود که آقایان در حمایت از این مسئله لباس زنانه به تن کردند نه بخاطر نوع لباسی خاص.

نمی شود خیلی صاف و ساده و با تز و تئوری ذهنی و خیالی حرکت این مردان را ناسیونالیستی، غیر مدرن، انسانی نیست و یا ارتجاعی نامید. نویسنده این مطلب فراموش کرده است که ناسیونالیسم کمتر از اسلام در تقابل با زن نیست. کدام جریان ناسیونالیست کرد و غیر کرد و افراد و عناصر آن را می شناسید که بخواید لباس زنانه بر تن کند و با اسم و تصویر خود از زنان سرخ پوش میروان آنها برای دفاع از حرمت و کرامت انسانیشان دفاع کند؟ در سنت و فرهنگ ناسیونالیسم کرد این حرکتها را جزو بی غیرتی مردان نام گذاری کرده اند، به این نوع حرکتها می گوید "زنانی"، یعنی رفتار زنانه. به مردی که در آشپزخانه به همسرش کمک کند یا رختها را بشوید می گوید "خجالت بکش از

کی تا بحال زن شدی؟". در فرهنگ ناسیونالیسم کرد اینها ناسزا به مردی است که چنین کارهایی کرده باشد. از این فرهنگ و سنت به وفور دم دست هست لازم نیست مثالهای زیادی آورد.

بر سر اینکه "گویا فرد "مجرم" اگر لباسی غیر محلی بر تنش می کردند آقایان اعتراض نداشتند"، اینگونه پیشداوریها هیچ واقعیت عینی و ابژکتیوی را توضیح نمیدهد.

این را باید برسمیت شناخت که اگر این اتفاق در اصفهان، شیراز یا خراسان روی می داد و اگر قرار بود حمایتی از سوی مردها صورت بگیرد بی گمان مردان آن مناطق برای ابراز همبستگی و دفاع از حقوق انسانی زن، لباس آن منطقه را که نرمی معمولی است به تن می کردند. اگر کسی قادر به عمق دیدن این حرکت در میروان نیست نیازی نیست نوع پوششی که مردان در حمایت از زنان به تن کرده اند را بهانه ای برای ارتجاعی و ناسیونالیستی خواندن همبستگی برابری طلبانه و انسانی مردان قرار دهد. حرکت مردان با لباس زنانه هم مدرن بود و هم انسانی. کسیکه این را نمی تواند درک کند یا از موضوع بی خبر است یا خود را به بی خبری می زند. اگر کسی ادعایی در حمایت از حرکت زنان میروان دارد بهتر است آن حرکت را مورد حمایت قرار دهد و تقویت کند و بی خود و بی جهت به نوع پوشش حمایت آمیز آقایان گیر ندهد. مسئولانه ترین و منطقی ترین رویه این است که به حمایت کنندگان مرد توصیه و پیشنهاد کند که بخاطر ایجاد همبستگی سراسری و گسترده از این حرکت از پوششهای متنوع و مختلف دیگر هم برای پوشش خود در هر نوع و مدلی استفاده کنند، حکمت، اهمیت و خاصیت آنرا برایشان توضیح دهد و تلاش و جسارت تاکتونی شان را ستایش کند و تصمیم را به خود حمایت کننده گان واگذار کند نه اینکه در مقام داور به "تقد" بپردازد. تلاش برای آزادی زن یعنی تقویت و حمایت از اینچنین حرکت اجتماعی ای علیه زن ستیزی حکومت اسلامی نظیر آنچه که زیر سر نیزه ارتجاع اسلامی در میروان اتفاق افتاد و دارد هر روز جان تازه تری می گیرد. متأسفانه

اطلاعیه شماره ۵

کمپین دفاع از زنان سرخپوش میروان رژیم به وحشت افتاده، اعلام حکومت نظامی و قرق خیابانها با نیروهای مسلح اذیت و آزار زنان و مردانی که لباس قرمز بر تن دارند.

در سایت فمن در فرانسه عکس یک مرد با لباس زنانه را میتوانیم ببینیم که نوشته است با این آکسیون از حقوق زنان در کردستان و ایران دفاع میکنند.

در سلیمانیه عراق صحبت از سازماندهی اعتراض به این رفتار حکومت اسلامی است و در کشورهای مختلف روز ۲۷ آوریل قرار است میتینگها و حرکتی اعتراضی سازمان یابد.

جمهوری اسلامی ایران از همین وحشت دارد. خشم و انزجار عمیق در میروان و شهرهای کردستان و دامن زدن به یک حرکت جهانی دفاع از زنان سرخپوش میروان همه و همه برای این حکومت وحشت آور است و بهمین دلیل حکومت نظامی اعلام میکند و با حربه سرکوب به میدان می آید.

ما از همه مردم میروان و مردم شهرهای کردستان و ایران دعوت میکنیم که در مقابل این رفتار ضد زن جمهوری اسلامی متحدانه به میدان بیایند و این تشبثات جدید حکومت را بی پاسخ نگذارند در همه جا با لباس قرمز بیرون بیایید و کاری کنید جنایتکاران و سرکوبگران حکومتی ببینند که با مردمی متحد در همه جای کردستان و ایران روبرو هستند.

از همه دعوت میکنیم با ارسال طومار اعتراضی و با تشکیل میتینگ و حرکت اعتراضی در هر جایی که امکانش را دارند از خواست مردم میروان دفاع کنند.

کمپین دفاع از زنان سرخپوش میروان
۲۲ آوریل ۲۰۱۳

طبق اخباری که از میروان به دست ما رسیده، در دو روز گذشته نیروی انتظامی حکومت اسلامی بسیاری از خیابانها را قرق کرده و مزدوران مسلح رژیم در همه جا بچشم میخورند. رژیم رسماً فضای نظامی در شهر ایجاد کرده است. گفته میشود که زنانی که با لباس سرخ در خیابانها هستند از نیروهای سرکوبگر حکومت اسلامی تذکر میگیرند و حتی به پسران و مردان نیز بدلیل پوشیدن پیراهنهای قرمز و .. تذکر میدهند. رژیم از رنگ قرمز و در اساس از اعتراض متحدانه مردم وحشت دارد. مردم میروان از وحشت رژیم حرف میزنند و صحبت از ادامه مبارزه است. خیر رسیده که مردم دارند امضا جمع میکنند و خواهان معذرتخواهی رسمی نیروی انتظامی و دستگاه قضایی حکومت اسلامی بدلیل این رفتار شنیع مزدوران حکومت اسلامی علیه زنان و همچنین علیه این نوع "مجازاتهای" قرون وسطایی هستند.

جنبش علیه این رفتار زننده و توهین آشکار به زنان، از میروان فراتر رفته و اکنون یک موضوع بین المللی شده است.

امروز خبر رسید که جمعی از مردم اوباتو "دیواندره" با امضا طومار به این رفتار اعتراض کرده اند. جمع آوری امضا در برخی از روستاها و شهرهای کردستان در جریان است.

مردان زیادی با پوشیدن لباس زنانه به این حرکت اعتراض کرده و رسانه های بین المللی گزارشات از این حرکت را منعکس کرده اند از جمله رسانه ها فرانسه، آلمان، ژاپن، ترکیه و ..

در راه آزادی زن می خواهد قدم بردارد این است که مبلغ چنین مواضع نادرستی در تقابل با همبستگی انسانی مردان با زنان نباشد.

۲۲ آوریل ۲۰۱۳

رهروان این خط فکری به این زودیهها قادر به بریدن بند ناف خود با صاحب این خط که رسالت دیگری جز تخطئه هر گونه حرکت رو به جلو و انقلابی نداشته است نخواهند بود. لاقال کمترین انتظار از نشریه ای که

اطلاعیه زنان سوسیالیست سندج در محکومیت نمایش اخیر عاملان حکومتی در مریوان اگر سجایای انسانی نمره محیط است پس محیط را باید انسانی نمود



قوانین اسلامی سیلی محکمی از زنان سرخ پوش مریوان دریافت کرد عبدل کلیریان

فرهنگ و سنت اسلامی دستگاہ قضایی حکومت که قرار بود برای پهن کردن بساطی دیگر در ضدیت با زن نمایشی از فرهنگ لمپنیزم اسلامی را در مریوان به اجرا بگذارد، از سوی مردم و فعالین دفاع از حقوق زن و زنان سرخ پوش این شهر پاسخی محکم و دندان شکن دریافت کرد و بسیاری از زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب این حکم حکومتی نهاد اسلامی ضد زن در مریوان را مورد تعرض جانانه خود قرار دادند. آش آنقدر شور بود که تعدادی از خودبپهای حکومت در مجلس نیز در وحشت و ترس از گسترش اعتراضات وسیعتر مردم به تکاپو افتادند و حکم قضایی دستگاہ اسلامی در مریوان را سرزنش کردند.

واکنشهای جسورانه دیگری در پاسخ به حکم بیدادگاہ حکومت و کل حکومت اسلامی صورت گرفت که همچنان ادامه دارد. در این عکس العمل ها بسیاری از جوانان و مردان با پوشیدن لباس زنانه و انعکاس وسیع آن در میدیای اجتماعی، به زن ستیزان اسلامی حاکم بر ایران نشان دادند که با تمام قدرت و توان از انسان و انسانیت دفاع خواهند کرد و چهره زشت قوانین و فرهنگ کربه و ضد زن اسلامی را کماکان با تعرض محکم پاسخ خواهند داد. مردم بنیادهای فکری اسلام و قوانین اسلامی حکومت را لگد مال می کنند و دستگاہ قضایی اش ناچار است احکام تنبیهی را با تفنگ، تحقر و توهین به اجرا بگذارد.

بعد از رنساس مذاهب دیگر افسار زده شدند اما بختک اسلامی گویا دارد همچنان جان سختی بخر می دهد. قرآن که پایه های اسلام برآن سوار است، زن را انسان محسوب نمی کند. این فرامین اسلامی در آیات و احادیث قرآن در مورد زنان به وفور یافت می شود. هر کس که قدری به زبان عربی آشنایی داشته باشد با مطالعه چند سطر از شوره النساء متوجه عمق کثافت احادیث پیغمبر و فرمان خدایش در استفاده جنسی و برده وار از زنان آشنا خواهد شد. ترجمان این

را توهین به لباس کردی ارزیابی کرده بودند. این طیف از سرعرق ناسیونالیستی و تقدس لباس کردی، علاقمند بودند همچنان سوراخ دعا را گم شده تصور کنند و بجای تعرض به زن ستیزی حکومت اسلامی به قرب و ارج نهادن به لباس زنانه کردی بچسبند. در یک نوشته از این طیف خواندم که گفته بود "دادگاہ جمهوری اسلامی در مریوان به لباس کردی بی احترامی کرده است". اما در سراسر این نوشته و در دفاع از لباس کردی، جایی ندیدم که زن ستیزی این رژیم را مورد تعرض قرار داده باشد. تعجب آورم نیست چرا که در مخیله ناسیونالیسم کردی یا هر نوع دیگری از ناسیونالیسم، زن همان جایگاهی را دارد که در قوانین اسلامی دارا است.

جمهوری اسلامی با کل دم و دستگاہ زن ستیزش خوب دریافت کرده است. سی و چهار سال است دایره مبارزه با منکرات، پلیس ناجا، خواهر کماندوهای خیابانی، تعقیب و بازداشتهای هر روزه، اختصاص دواتر و سازمانهای دولتی گوناگون و دهها ابزار و امکان دیگر نظیر زندان، سنگسار، شلاق، تهدید، عریه کشی، چماق چرخاندن. یا روسری یا تو سری، چسباندن آن با پونز بر سر زنان، تجاوز، اسیدپاشی و با صرف هزینه های میلییاری، اما نتوانست صدای زنان را خفه کند، آنان را به کنج خانه بفرستد و یا در جامعه ایزوله کند. نوع پوشش و تارهای موی زن کابوسی همیشگی برای این حکومت بوده است. سنت شکنی های هر روزه جوانان دختر و پسر کارد را به اسخوניהایش رسانیده است. تنها مانده بود که همسان خواندن زن در کنار واژه ارادل و اوباش را به نمایش بگذارد که در اینجا هم تو دهنی محکمی از مردم و زنان سرخ پوش و مبارز دریافت کرد.

در مورد لباس زنانهمینقدراضافه کنم که طیفی با اظهار نظراتشان پوشاندن لباس زنانه کردی بر تن یک مرد در مریوان

در چند ماه گذشته، مجازات بزهداران اجتماعی، تقریباً در سراسر ایران، در اشکال متفاوت، در مقابل دیدگان عموم، به اجرا درآمده است؛ یکی از این موارد، روز دوشنبه، ۲۶ فروردین ماه روی داد و طی آن پسر جوانی که مجرم اجتماعی شناسانده شد، با روسری و لباس محلی زنانه، در خیابانهای شهر مریوان گردانده شد تا در سیرک بازیگران، جرم به نمایش گذاشته شود و بشریت بار دیگر زخم عمیقی را بر بزرگوار ی خویش به نظاره بنشینند.

بدون شك بزهداری بعنوان يك پدیده ی اجتماعی ریشه در زیر ساخت هایی دارد که فرودستی و بی مایه گی زن تابعی از روینای ایدئولوژیکی همان ساختار است که پیوسته می کوشد تا پایبند بودن به ساختار مندی را در قواره قانون و در هیأت قانونگذار به شکلی آگاهانه در وجود افراد جامعه نهادینه کند. گردانن یک بزهدار در سطح شهر و پوشاندن لباسی که نشان از فرومایه گی و حقارت وی داشته باشد، تنها یک نمایش ریاکارانه از سوی سیستمی است که خود از عامل های اصلی بروز بزهداری، جرم و جنایت در هر سطحی می باشد.

به غیر از گسترش فقری که دامن بخش بسیار وسیعی از مردم را گرفته، بیکاری فزاینده هم اکنون از وجود انسان یک پیکر نادر و آواره ساخته است و این آوارگی و نداری به آن چنان معضلی اجتماعی تبدیل گردیده که به منظور شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت، کارگردانان این نوع از تراژدی، خود را از منبر و مناره آویزان می کنند تا پاپوشی بدوزند و خود را بیرون از آن به نمایش بگذارند.

بلندگواها به شکلی جرم را اعلام می کنند که گویا هیچ ستم و تبعیضی انسان را نمی آزارد و تنها چیزی که مایه ی آزار شهر شده همان مجرمی است که عاملان حکومت اسلامی او را در هیبت یک زن و بنابراین یک موجود دون پایه به نمایش گذاشته اند و به راستی که تحقیر انسان چه آسان صورت می گیرد وقتی قانونگذار و مجرم خود دو روی یک سکه باشند! گزمه های مدرن حکومت بهتر از هر کسی می دانند که مکان بازپرویی هیچ بزهداری، بازپس گرفتن آخرین روزنه های انسانیت در او نیست. با این وجود، خود به شکلی آن چنانی به تحقیر روی می آورند تا بزهداری پیوسته به تداوم برسد، چرا که خود از آفرینندگان و گردانندگان آن هستند.

این گزمه های مدرن حکومتی، با پوشاندن لباس زنانه به تن چنان بزهدارهایی، نشان دادند که در فرومایگی از تمامی سیستم های مردسالار و نژادپرست تاریخ پیشی گرفته اند و بقای جرم و بزه در بازتولید چنان وضعیت هایی است. بنابراین، با تحقیر و تویبخ و مجازات از سوی دیگر سکه آویزان می شوند تا هم بزهدار و مجرم بمانند و هم مجازات کنند.

ما جمعی از زنان عدالتخواه، تخریب هویت یک انسان را با به نمایش گذاردن وی در سطح خیابانهای شهر مریوان و پوشاندن لباس زنانه بر تن او به نشانه ی توهین و بی حرمتی به زنان را محکوم کرده و از تمامی انسان های حق طلبی که روزنه های دیدشان به روی افقی روشن از برابری و آزادی گشوده می شود خواستاریم که به هر طریق ممکن باوقعه ی اخیر را محکوم نمایند.*

آن ها از مناره ی مسجدها و

زنده باد انقلاب انسانی برای جامعه ای انسانی!

میدان سر باز میروان و میدان التحریر قاهره!

محمد امین کمانگر

تحولات و حوادث چند روز اخیر شهر میروان نقطه قدرتهای متعددی را پشت سر نهاده است. این حرکت عظیم انسانی، اهمیت و جایگاه بسیار فراتر از این دارد که مردی را گرفتند و لباس زنانه بر او پوشاندند که نتایج آن به بارنشستن معنا و مفهوم برابری زن و مرد و دفاع از انسان است. ما با یک نقطه عطف تاریخی مواجهیم این کینه و نفرت عمیق مردم علیه نمایندگان خدا بر روی زمین است این آتش زیر خاکستری است که گاهی چنین بیرون می زند. علل و ریشه هایش هم فقط در میروان یا در کردستان نیست یا منطقه ای نیست. کل جامعه ایران چنین است اما اینبار زنان سرخ پوش میروان پرچم انسانیت را بلند کردند و این امر مهم را به جامعه بشری اعلام داشتند. هر چند به نظر من خود این انسانهای شریف و آزادیخواه هنوز جایگاه و اهمیت این تحول و این حرکت عظیم انسانی را آنگونه که هست شاید در نیافته باشند.

میدان سر باز میروان، میدان سرخ قاهره!

سرخ پوشان میدان سر باز میروان در روز ۲۷ فروردین ۱۳۹۲ به حکامان اسلامی، به قاضی و قضات ریزو درشت حکومت اسلامی اعلام داشتند که اجازه، تحقیر و توهین به جایگاه، شأن و حرمت زن را نخواهند داد. اعلام داشتند که نابرابری نا عدالتی دیگر بس است. بی حرمتی دیگر بس است. خواستها و مطالبات میدان سر باز و میدان التحریر یک خواست و یک هدف مشترک است. چون رایجترین حکم شریعه نسبت به زنان به رسمیت نشناختن آنان بعنوان یک انسان کامل است.

زنده باد انسانیت.

زنده باد زنان سرخ پوش میروان.
یکشنبه ۲۱ آوریل ۲۰۱۳

مختصری در مورد وضعیت شغلی کارگران در کردستان!

بیستون بیگ زاده

در این نوشته کوتاه نگاهی بیندازیم به وضعیت شغلی کارگران فصلی، کارگران شرکتهای خصوصی و کارگران شرکتهای دولتی.

۱. کارگرانی که به صورت فردی کار میکنند در بیشتر موارد میتوان از آنها به عنوان کارگران فصلی یاد کرد.

۲. کارگرانی که جذب شرکتهای خصوصی شده اند. کارگران جذب شده بخشهای دولتی که آنها نیز امروزه بیشتر به شرکتهای پیمانکاری واگذار میشوند.

۱. کارگران فصلی: اینها نوع کارگرانی هستند که تقریباً در شکل اولیه خود مانده اند و در بیشتر موارد در ساختمان سازی، حمل بار، آجرپزی، ... بیشتر در فصل بهار و تابستان کار میکنند، در مواردی نیز این کارگران در قالب گروههای چند نفری برای پیمانکاری کار میکنند. و اکثراً ناچارند با وسائل کار سنتی به انجام کارهای طاقت فرسا در مدت زمان طولانی تر بپردازند و مورد سوء استفاده های زیادی از سوی کارفرمایان قرار میگیرند.

کارگران فصلی در بیشتر موارد از نوع حق و حقوق و مزایایی که باید به آنها تعلق بگیرد اطلاعی ندارند و تنها در مقابل فروش نیروی کار خود مبلغی ناچیز دریافت می کنند.

در واقع میتوان گفت بیمه حوادث، بیمه بیکاری بیمه بازنشستگی و ... برای آنها تعریف نشده و اصلاً در نظر گرفته نمی شود هر چند در معرض بیشترین خطر قرار میگیرند و اگر از این نوع خطرها جان سالم به در ببرند به مرور زمان به امراض گوناگونی مبتلا میگردند.

۲. کارگران جذب شده شرکتهای خصوصی: این دسته کارگرانی هستند که بیشتر در کارخانه ها یا کارگاههای کوچک بخش خصوصی کار میکنند. آنان در بیشتر مواقع مجبورند به کارهای سخت، طاقت فرسا و یکنواخت در ساعت های طولانی با حقوق خیلی کم تن دهند بدون



اما در این میان کارگران جدید به دلیل مقابله با بیکاری به خصوص با بالا رفتن هزینه های زندگی و در مقاطعی از سال بیشتر خواهان جذب در بخش های دولتی یا شرکتهای خصوصی می شوند.

که متأسفانه به دلیل عدم آشنایی با حقوق و مزایای خود، مورد سوء استفاده صاحبان سرمایه یا کارفرمایان قرار می گیرند. صاحبان سرمایه نیز که میدانند که این زحمتکشان از روی ناچاری به امید شرایطی هر چند بهتر از نظر اقتصادی نسبت به همسویان خود، به این مراکز مراجعه می کنند و صاحبان کار نیز از هر نوع فشاری بر این کارگران دریغ نمی کنند.

دولت نیز به دلیل همسو بودن با صاحبان سرمایه و بخاطر منافع خود نه تنها در ایجاد فشار بر این زحمتکشان کوتاهی نمی کند بلکه حتی از پرداختن دستمزد آنها نیز ماهها خبری نیست. از این رو این بخش از کارگران مدام همچون مابقی بخشهای مختلف دیگر برای دریافت دستمزد هایشان با دشواری روبرو هستند.

این وضعیت نابسامانی است که کارگران در شهرهای کردستان با آن دست و پنجه نرم می کنند. اول مه روز جهانی کارگر در صفتی متحدانه و قدرتمند به این نابرابریها باید اعتراض کرد.*

آنکه تفاوت دستمزد بین کارگران شب کار و روز کار برای آنان در نظر گرفته شود. این بخش از کارگران در موارد زیادی مجبور می شوند کارهای سختی را با امکانات کم و بدون حداقل ترین استانداردها انجام دهند. برای این کارگران معمولاً مرخصی در نظر گرفته نشده است، حق بیمه ندارند و با قراردادهای کوتاه مدت کار می کنند، و تنها تفاوتی که با کارگران فصلی دارند این است که بطور فصلی کار نمی کنند.

۳. کارگران جذب شده بخش دولتی: این دسته کارگرانی هستند که در قسمتهایی از بخش دولتی همچون شهرداری ها و ... کار میکنند که بیشتر به کار خدماتی مربوط میشود. این نوع کارها امروزه به پیمانکاران واگذار میشوند و این کارگران نه با دولت بلکه با این پیمانکارها کار سروکار دارند.

پیمانکاران نیز برای جلوگیری از مشمول شدن مزایایی هر چند کم اما بیشتر با قراردادهای کوتاه مدت و کار فصلی، اقدام به استخدام آنها میکنند. به غیر از نپرداختن حق بیمه و دیگر مزایایی که باید بهشان تعلق بگیرد و به بهانه های نبود بودجه یا کمی بودجه برای این کارگران و استثمار هر چه بیشتر آنها، قراردادهای آنان بموقع تمديد نمی شود.



اطلاعیه شماره 6

کمپین دفاع از زنان سرخپوش مریوان



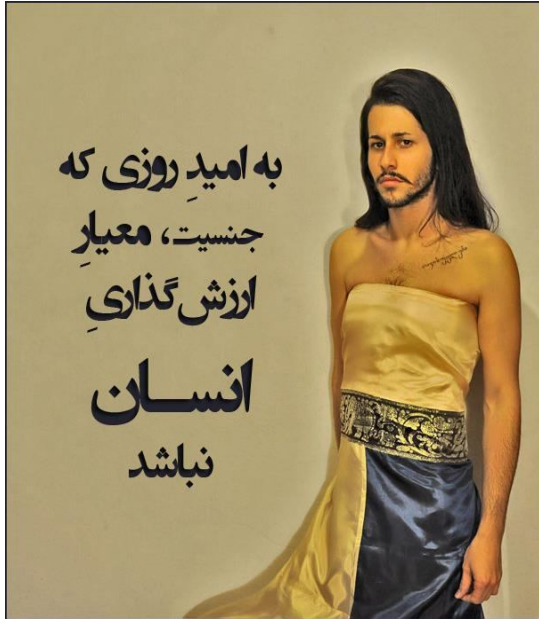
روز دوشنبه ۲۲ آوریل در سلیمانیه جمعی از زنان و مردان آزاده در یک جلسه برای سازماندهی اعتراض علیه رفتار حکومت اسلامی در مریوان دور هم جمع شدند

این سه عکس از این نشست است که در فیس بوک منتشر شده است.

ما از همه شما عزیزان در شهرهای کردستان و در همه جای ایران و همچنین از فعالین مدافع حقوق زن و مخالفین جمهوری اسلامی در سراسر جهان دعوت میکنیم که برای سازمان دادن اعتراض در روز ۲۷ ماه آوریل شنبه این هفته دست بکار شوند.

در مراکز شهرهای بزرگ دنیا با

اطلاعیه شماره ۷

کمپین دفاع از زنان سرخپوش مریوان
"زن بودن ابزار تنبیه و تحقیر هیچکس نیست"
این یک انقلاب است!

به امید روزی که
جنسیت، معیار
ارزش گذاری
انسان
نباشد

این یک انقلاب است! "زن بودن ابزار تنبیه و تحقیر هیچکس نیست"

اطلاعیه شماره ۷ کمپین دفاع از زنان سرخپوش مریوان این یک انقلاب است!

یک سایت فیس بوکی با عنوان "زن بودن ابزار تنبیه و تحقیر هیچکس نیست" و مردان زیادی که لباس زنانه بر تن کردند، به یک بحث و حرکت مهم در دفاع از حقوق انسانی زنان دامن زد. موضوع بر سر لباس زنانه بعنوان وسیله تنبیه و تحقیر یک مرد است و موضوع بر سر "مجازاتهای" قرون وسطایی و تحقیر جوانان در ایران تحت حاکمیت فاشیسم اسلامی است!

Pedram Penhan: Hoping for the day that sexuality, gender will not be a way of evaluating humanity.

یکی از مردانی که لباس زنانه بر تن کرده میگوید: پنج دقیقه لباس زنانه بر تن کردم و احساس کردم که چقدر این حرکت مهم است. من خودم را در جایگاه یک زن دیدم و موقعیت زنانه را درک کردم که سی و چند سال است به صرف زن بودن شدیداً سرکوب میشوند. من موقعیت مادر و خواهرم را درک کردم که با این لباس سالهای سال است در خانه و مدرسه و اجتماع حق اشان زیر پا گذاشته میشود.

سایت اینترنتی، زن بودن ابزار تنبیه و تحقیر هیچکس نیست. یک واقعه مهم است. در سایت اینترنتی این کمپین هفت هزار نفر عضو هستند و بیش از ۳۰ هزار نفر در بحثها و نظر دادن شرکت کرده و این واقعه به درست توجه های زیادی را بخود جلب کرده است.

حرکت از مریوان به ما میگوید: وقتی هزاران نفر درگیر این بحث شده اند، طبعاً در جاهایی نظراتی را میتوان دید که موضوع را به لباس زنانه "کردی" منتسب میکنند و یا توهین به "زن کرد" نه لباس زنانه و توهین به همه زنان ... اما در مریوان مشخصاً مردم از این رفتار بشدت ناراحت هستند و اینرا یک عرصه مهم مقابله با سرکوبگریهای حکومت میدانند. و بحثها متمرکز بر توهین به زنان است و این بسیار مهم است.

کمپین دفاع از زنان سرخپوش مریوان از همه دعوت میکند در روز جهانی اعتراض ۲۷ آوریل شنبه این هفته بهر طریق که میتوانند از حرکت اعتراضی زنان و مردم مریوان دفاع کنند.

کمپین دفاع از زنان سرخپوش مریوان فتنه، جنبش برای رهایی زنان ۲۳ آوریل ۲۰۱۳

شهاب شیخی یکی از این مردان که لباس زنانه بر تن کرده در مصاحبه با دویچه وله میگوید: به نظر من مردان با پوشیدن لباس زنانه اعلام کرده اند که آگاهانه و با اختیار این لباس را بر تن می کنند و نه به داشتن پوشش مردانه یا زنانه بلکه به داشتن تفکر برابری خواهانه افتخار می کنند.

شیخی در توضیح روش کمپین اخیر می گوید: «ما تمام سعی خود را بر این گذاشتیم که گفتمان تا آن جایی که در توان ماست گفتمانی فمینیستی باشد و از شعارهای مردانه گرا و حتا ناسیونالیستی (با توجه به این که پوشش کردی بود (پرهیز کنیم. سعی ما بر این بود که عکسها عادی باشد. حاوی شعار به خصوصی نباشد، ژست ویژه ای هم نداشته باشد و نگاهی و پیامی که قرار است منتقل کند نگاه برابری باشد.

یکی دیگر از فعالین این



مینا احدی ۰۰۴۹۱۷۷۵۶۹۲۴۱۳
کیوان جاوید ۰۰۴۴۷۸۶۱۴۷۶۸۶۹
مریم نمازی ۰۰۴۴۷۷۱۹۱۶۶۷۳۱

آدرس پستی

Maryam Namazie
BM BOX 1616, London WC1N1XX, UK
Email: fitnah.movement@gmail.com
Blog: http://fitnahmovement.blogspot.co.uk
Website: www.fitnah.org
Facebook: www.facebook.com/fitnahmovement

تبعیض علیه زنان یک مشخصه مهم دنیای امروز است. در بخش اعظم کشورهای جهان، زن رسماً و قانوناً از همان حقوق و آزادی های محدود و محقری هم که مردان از آن برخوردارند محروم است. در کشورهای از نظر اقتصادی عقب افتاده تر و در جوامعی که نفوذ مذهب و سنت های کهنه بر نظام سیاسی و اداری و فرهنگی جامعه عمیق تر است، ستمگشی زن و بی حقوقی و فرودستی او در آشکارترین و زمخت ترین اشکال خودنمایی میکند. در کشورهای پیشرفته تر و مدرن تر، و حتی در جوامعی که به لطف جنبش های مدافع حقوق زنان و تعرضات سوسیالیستی کارگری تبعیض جنسی علی الظاهر از بخش اعظم قوانین حذف شده است، زن همچنان در متن مکانیسم اقتصاد سرمایه داری و سنت ها و باورهای مردسالارانه جاری در جامعه، عملاً از جهات بسیار مورد تبعیض و ستم قرار دارد.

یک دنیای بهتر بر نامه حزب کمونیست کارگری ایران



از طریق سایت های زیر به کتاب
یک دنیای بهتر
می توانید دسترسی پیدا کنید.
www.wpiran.org
گروه کورسنت لائوری ایران
آرشیو عمومی کشور حکمت
www.hekmat-public-archive.net

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

سوئد:
Sweden
Post Giro: 6396060-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین می‌توانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:
Germany
Rosa Mai
Konto. Nr.: 583657502
Bankleitzahl: 37010050
Post Bank

کانادا:
Canada
ICRC
Scotiabank
4900
Dixie Rd, Mississauga
L4W2R1
Account #: 843920026913

هلند:
Bank: RABOBANK
Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 151350248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL774 RABO 0151350248

آمریکا:
Bank of America
G Street, Blaine, Wa 98230277
phone # 1-360-332-5711
Masoud Azarnoush
Account number : 99-41581083
wire: ABA routing # 026009593
Nrsswift code : BOFAUS

شماره حساب انگلیس
ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:
England
Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23
Account hold: wpi
branch: Wood Green
Bank: NatWest
NWBK IBAN: GB 77 NWBK6024235477981
BIC: NWBK GB 2L

سوالی دارید می‌توانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا:
سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا:
فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران:
عبدل کلیریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

را از خود نشان دادند که من به همه این انسانهای جسور درود می فرستم. اما سوالی که مطرح است این است آیا نمی شود از پوشش زنانه بجز لباس محلی کردی هم استفاده کرد؟. درست است که این زن ستیزی نهادهای حکومت در شهر مریوان که از پوشش محلی استفاده می کنند صورت گرفته اما برای هر چه گسترده تر کردن این حرکت در ابعاد سراسری تر و جلب حمایتهای وسیع تر، می شود و می توان از لباسهای با مدلهای مختلف دیگری نیز که همچون خاری در چشم ارتجاع اسلامی قرار دارد استفاده کرد. زن ستیزی حکومت اسلامی و قوانین بغایت ارتجاعی اش علیه زنان مختص مریوان و شهرهای کردستان نیست بلکه سراسری است. تعرض به زنان را ۳۴ سال قبل رژیم زن ستیز اسلامی از تهران آغاز کرد.

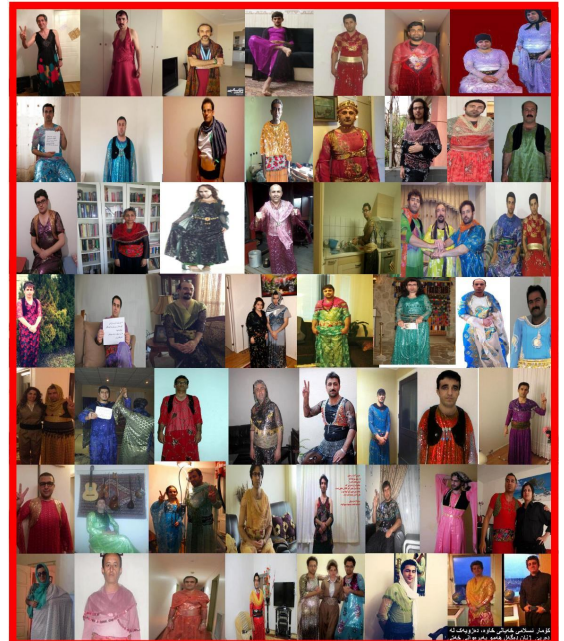
این جانوران حتی بخاطر نوع و نحوه پوشش زنان در خارج از کشور نیز با نشان دادن چاقو و زنجیرشان دست به تهدید می زنند. یکی از اعضای پلیس ایران بنام منتظر مهدی اخیرا در مصاحبه ای زنان بازیگر سینما را که به خارج کشور برای شرکت در فستیوال آمده اند تهدید کرده است که اگر پوشش اسلامی را رعایت نکنند از طریق پلیس اینترنتل حسابشان را خواهد رسید. سران و چاقو کشان اسلامی این حکومت در هر جا و هر مکانی در نهایت پروری و بیشتری در امور زنان اینگونه عریه می کشند.

اینها را باید سر جای خود نشاند. توجه به نکات فوق و فضای موجود و دستاوردهای تاکسونی، امکان و زمینه تعرض هر چه بیشتر از سوی جبهه برابری طلبانه زنان و مردان را فراهم کرده است. از این فرصتها باید حداکثر استفاده را در به عقب نشاندن هر چه بیشتر قوانین و عملکرد زن ستیزانه حکومت اسلامی بعمل آورد. حرکت اعتراضی و شورانگیز زنان در مریوان علیه زن ستیزی حکومت و قوانین اسلامی اش و برای پیشرویهای بیشتر نیازمند حمایتهای سراسری بویژه در داخل کشور است.

۲۰ آوریل ۲۰۱۳

حرکت اعتراضی و شورانگیز زنان در مریوان نیازمند حمایتهای سراسری است

عبدل کلیریان



تو دهنی محکم به قوانین و فرامین حکومت اسلامی ضد زن

این مسئله در میان مردم معترض بر سر این گزینه هم این زمزمه بگوش می رسد و این خود نیز اقدامی بسیار مهم در دفاع از حرمت و کرامت انسانی شهروندان است و در صورت عملی شدن آن، گامهایی جنبش دفاع از حقوق زنان را بجلو خواهد برد که قابل بازپس گیری نخواهد بود.

از سوی دیگر کمپین دفاع از زنان سرخ پوش مریوان نیز فعالیتهایی را برای همبستگی با زنان مریوان و افشای قوانین و سیاستهای زن ستیزانه حکومت اسلامی در خارج از کشور در دستور کار خود گذاشته است که بنویه خود در هر چه گسترده تر کردن آن در داخل کشور مهم و بسیار موثر خواهد بود. این کمپین روز شنبه ۲۷ آوریل را بعنوان روز جهانی ابراهیم‌ستگی بین المللی با زنان و مردم مریوان اعلام کرده است.

علاوه بر اینها در چند روز گذشته و در حمایت از مردم و زنان سرخ پوش مریوان و علیه قوانین و اعمال زن ستیزانه جمهوری اسلامی بسیاری از مردان و جوانان برابری طلب و مدافع حقوق زن با پوشیدن لباس زنانه پاسخ دندان شکنی به جانپان حاکم بر ایران دادند. این عزیزان تلاش شایسته و قابل ارجی

حرکت جسورانه و شورانگیز زنان سرخ پوش در اعتراض به فرهنگ و سنت برگرفته از اسلام، قرآن و قوانین اسلامی رژیم در مریوان نیازمند حمایتهای گسترده تری در شهرهای مختلف ایران است. این حرکت تا کنون توانسته است، نمایندگان مجلس و برخی نهادهای حکومت را وادار به سرزنش کردن این اقدام قاضی مریوان بکند که این خود ناشی از ترس و وحشت آنها از گسترش این اعتراضات است. این را مردم و زنان سرخ پوش مریوان بهشان تحمیل کردند.

اکنون این زمزمه بگوش می رسد که گویا دادگاه قرار است از مردم و بویژه از زنان عذرخواهی کند و این یعنی تعرض ما به زن ستیزی اسلامی و ناچار کردن سیستم زن ستیز به عقب نشینی. می توان در این شرایط که به غلط کردیم افتاده اند باید بیشتر از اینها به عقب نشینی وادارشان کنیم.

در ماههای گذشته و علیه احکام اعدام زانیار و لقمان مرادی، شهر مریوان دست به اعتصابی جانانه برای آزادی لقمان و زانیار زد. پدیده اعتصاب عمومی در مریوان، سنج و شهرهای کردستان سنتی جا افتاده است. اکنون و در ارتباط با

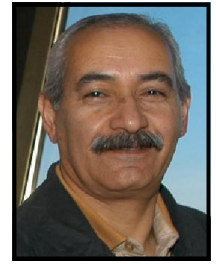


افزایشی دستمزدها و برخورداری از یک زندگی انسانی حق مسلم ماست!

مختصری از تاریخ یک دوره / بخش ششم



افراد و دوستان سازمانهای سیاسی در مقابل دانشگاه تهران



عبدل گلپریان

۳۰ خرداد سال شصت

جمهوری اسلامی ماموریت داشت تا انقلاب نیمه تمام مردم را کاملاً سرکوب کند. فضای نسبتاً بازی که بعد از سرنگونی رژیم شاه و برای تداوم انقلاب وجود داشت و تا آن لحظه رژیم قادر به شکستش نشده بود وجود داشت. در مقابل دانشگاه تهران میز کتاب و فعالیتهای تبلیغی سازمانهای سیاسی چپ بی وقفه دایر بود. بحث و جدل در میان افراد و دوستان سازمانهای سیاسی در مقابل دانشگاه تهران و خیابانهای اطراف شور و حال خاصی به فضای آندوره داده بود. هواداران رژیم نیز با پهن کردن بساط خود علاوه بر تبلیغات اسلامی بصورتی هدفمند در تلاش برای شناسایی فعالین چپ بودند و در مواقعی با چماق و زنجیر به غرفه های سازمانهای چپ حمله می کردند. این حملات نیز از سوی فعالین چپ پاسخ داده می شد و بعضاً عناصر و افراد اجیر شده حزب الهی را گوشمالی می دادند. فضای بازی که بعد از قیام حاصل شده بود از مقطع سرنگونی کامل رژیم شاه یعنی از ۲۲ بهمن ۵۷ تا ۳۰ خرداد ۶۰ ادامه داشت. تعرض خونین و مرگبار رژیم بر علیه انقلاب و نیروهای تداوم دهنده انقلاب در ۳۰ خرداد شصت شروع شد. از ۲۲ بهمن ۵۷ تا ۳۰ خرداد ۶۰ یعنی چیزی در حدود دو سال و چهار ماه و هشت روز. رژیم تازه بقدرت رسیده اسلامی به این مدت زمانی بیش از دو سال نیاز داشت تا خود را برای سرکوب خونین انقلاب ۵۷ آماده کند. این مدت زمان تنها تعدادی رقم و اعداد نیستند بلکه حد زمانی تاریخی و مهمی هستند که جمهوری اسلامی توان و قدرت سرکوب مردم انقلابی و خواستههایشان را نداشت. بلاخره افراد، سازمان ها، جریانات و گروههای مختلفی که تا آن لحظه به فعالیت خود ادامه داده بودند



تصویر بالا: حمله حزب الله و بسیجی به دانشجویان دانشگاه تهران در جریان "انقلاب فرهنگی" رژیم در سال ۱۳۵۹ زمانی که دانشجویان در داخل دانشگاه تهران مقاومت می کردند

میکرد در ردیف اول صندلی ۱ و ۲ گفت، شناسنامه و کارت تلفن را بهم پس داد و به راننده گفت می تونی حرکت کنی و هر دو نفر از اتوبوس پیاده شدند. بعد از رفتن آنها و حرکت کردن اتوبوس نفس راحتی کشیدم و نگاهی به دوستانم انداختم که مات و مبهوت به من نگاه می کرد. گفت اگر می بردنت پایین چی؟ گفتم اگر می بردم خوب کار تمام بود ولی نهایت رفتار عادی و طبیعی و نشان دادن خونسردی ظاهر به من خیلی کمک کرد. مخصوصاً اینکه من همه جوابهایم واقعی و با حالتی رلکس بدون دستپاچگی بود. بلاخره خیالم راحت شد تا اینکه بعد از ده دقیقه از آینه طرف راننده اتوبوس متوجه شدم که خودرو جیبی که متعلق به آنها بود با علامت دادن چراغ می خواهد خود را به جلو اتوبوس برساند. وقتی که این صحنه را دیدم شکی برابم باقی نمانده بود که مرا شناخته اند و دیگر کار از کار گذشته است. این صحنه شاید کمتر از یک دقیقه ادامه داشت تا اینکه اتوموبیل جیب آنها از اتوبوس گذشت و من فقط نگاه میکردم ببینم آیا اتوبوس را متوقف می کند، اما در کمال ناباوری دیدم که این چراغ زدن و علامت دادنها برای این بوده که اتوبوس به او امکان دهد که سبقت بگیرد چون بعد از اینکه از اتوبوس عبور کرد با سرعت تمام از ما دور شد. عاقبت بدون پیش آمدن مشکل و مانع جدیدی به مشهد و منزل میزبان که منتظر ما بود رسیدیم.

ادامه دارد

پاسخ به او که پرسید کجا می خواهی بروی گفتم می روم سری به خانواده ام در سمنجان بزنم. بجز طیب و مسعود، رفیق دیگری از رهبری کومه در تهران بنام سعید یزدیان دستگیر شده بود که او نیز در جریان کارهای شرکت حمل و نقل که من در آن کار می کردم قرار داشت. این را در نظر گرفته بودم که اگر خطری مرا در لو رفتن محل کار و خود من تهدید نکنند، با گرفتن مرخصی بتوانم مجدداً به ادامه کار در شرکت حمل و نقل که از اهمیت تدارکاتی فوق العاده ای برای کومه له برخوردار بود ادامه دهم ایرج هم مدتی مسیر کار حمل و نقل خود را به شهر های جنوبی ایران تغییر داد و من هم با کمک یکی از آشنایان نزدیک برای مدتی وضعیت روشن شود به مشهد منزل فامیل کسی که مرا همراهی میکرد رفتم. به این ترتیب من و ایرج هر دو موقتاً از تهران خارج شدیم. من بطرف شمال و او بطرف جنوب کشور.

خاطره ای از سفرم به مشهد. همراه با آشنای نزدیک بلیط سفر به مشهد را تهیه و برای اینکه من در امنیت کامل از این مسیر که بشدت تحت کنترل و بازرسی بود عبور کنم، این دوست همسر و مادر همسرش را نیز با مسافرت ما همراه کرد. بدون مشکل سوار اتوبوس تهران مشهد شدیم. من و دوستانم که در واقع در این سفر به من کمک

بلافاصله در روز ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ انقلاب مردم ایران، سازمانهای سیاسی فعال در آن مورد تهاجم وحشیانه رژیمی قرار گرفته بودند که می خواست وظیفه حکومت پهلوی را که قادر به سرکوب انقلاب نشده بود به سرانجام برساند. خانه گردی ها آشکارا و علناً آغاز گردید. شناسایی فعالین جریانات سیاسی که از قبل توسط باندهای اسلامی، سپاه و کمیته ها صورت گرفته بود با یورش به منازل مسکونی و دفاتر سازمانهای سیاسی آغاز شد. بازداشتها، اعدامها نمایشات تلویزیونی، تحت تعقیب قراردادن فعالین سیاسی به امری تعطیل ناپذیر تبدیل شده بود. در آن هنگام من همچنان در محل کارم بودم تا اینکه اطلاع یافتم که چند نفر از رفقای تشکیلات کومه له هم دستگیر شده اند. از جمله طیب عباسی و مسعود مدرسی نیز جزو دستگیر شده گان بودند. در بخشهای قبلی به ارتباط ما سه نفر اشاره کرده بودم و آنها در جریان تمام جزئیات مربوط به فعالیتهایی که انجام می گرفت مطلع بودند. به همین خاطر می بایستی برای احتیاط و اینکه احتمالاً آنها را تحت شکنجه و بازجویی قرار دهند محل کار را ترک کنم. این احتمال را هم مد نظر داشتم که ممکن است نتوانند آنها را شناسند و شاید آزادشان کنند. از این رو با در نظر گرفتن این احتمالات تصمیم گرفتم بطور موقت و بدون اینکه کارفرمای شرکت بو برد درخواست مرخصی چند روزه ای بکنم. به مدیر شرکت گفتم که می خواهم دو سه هفته ای به مرخصی بروم. او نیز پذیرفت و در

اساسی سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

نگ بر گرانی و عاملین آن

کارگران! معلمان! پرستاران! شاغلین! بیکاران! مردم محروم! گرانی هرروزه و فقر و نداری زندگی همه ما را به درد و عذاب تبدیل کرده است. تا این حکومت دزدان و مفتخوران حریص و میلیاردر هست، اوضاع هرروز بدتر و بدتر خواهد شد. ثروتهای میلیاردری آنها تماماً حاصل دزدی نان شب فرزندان ماست. و ما مانده ایم و درد عمیق و خشم بی انتهایمان.

تنها راه نجات ما از این فقر و گرانی و حسرت و محرومیت که هرروز غیر قابل تحمل تر میشود، اینست که خشم مان را فرو نخریم. داد بزنیم! فریاد بزنیم! اعتصاب کنیم! اعتراض کنیم! به مفتخوران حاکم هرچه سزایشان است با صدای بلند بگوییم! کوچه و خیابان و کارخانه و صف خرید و همه جا را به کانونهای اعتراض و حق خواهی تبدیل کنیم. هم اینک اینجا و آنجا اعتصابات کارگری و اعتراضات و بیرون ریختن فریاد خشم علیه مسببین این اوضاع هرروز مشاهده میشود. و همین را باید میلیونی و سراسری کرد.

تک تک ما مردم حق داریم نه فقط نان و میوه و خانه و کاشانه مناسبی داشته باشیم، بلکه زندگی مرفه و شاد حق ماست. برخورداری از همه نعمات حق ماست. برخورداری از پزشک و داروی رایگان حق ماست. تحصیل رایگان و مناسب حق همه فرزندان ماست. استراحت و تفریح و مسافرت و استفاده از آخرین دستاوردهای زندگی حق همه ماست. هیچ تک نفری چه شاغل چه بیکار چه بیمار و چه معلول، در این جامعه نباید گرسنه و محروم و حسرت کشیده بماند. ما انسانیم و زندگی انسانی حق بی چون و چرای تک تک ماست. این حکومت و این نظام ناعادلانه سرمایه داری را میتوانیم درهم بکوبیم و جامعه ای آزاد و شاد و مرفه و انسانی را برپا داریم.

زنده باد انقلاب انسانی برای جامعه ای انسانی!
زنده باد سوسیالیسم!
حزب کمونیست کارگری ایران

رفاه و خوشبختی همین امروز ممکن است

عامل فقر جمهوری اسلامی است. با سرنگونی این حکومت و با مصادره اموالی که سران رژیم، آیت اله ها، رانت خواران و میلیاردرها غارت کرده اند، میتوان بلافاصله آب و برق و گاز و طب و آموزش و پرورش را برای همه جامعه رایگان کرد. با میلیاردها دلاری که هر ماه صرف زندان و سرکوبگران میشود میتوان برای همه مردم مسکن مناسب ساخت. با کوتاه کردن دست امام جمعه ها و موسسات مذهبی از خزانه مملکت میتوان زندگی شاد و انسانی برای همه کودکان فراهم کرد. نیروی کار و متخصص و امکانات برای خوشبختی همه مردم وجود دارد. باید جمهوری اسلامی را از سر راه برداشت.

برای سرنگونی جمهوری اسلامی و ایجاد جامعه ای انسانی،
برای تحقق رفاه و آزادی و برابری،
به حزب کمونیست کارگری بپیوندید!

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سر دبیر

Tel: 00358 405758250

E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

همکار نشریه ایسکرا: آوات فرخی

E-Mail: awat.farokhi@yahoo.com

توجه توجه

برنامه پخش مستقیم به زبان کردی از کانال جدید

مجری برنامه: پدی محمودی

این برنامه پنجشنبه ها از ساعت ۱۳:۳۰ تا ۱۴:۳۰ شب به وقت ایران و ۴ تا ۵ به وقت اروپای مرکزی پخش میشود

مشخصات ماهواره: KURD KANNEL

هات بود ۸

ترانسپوندر ۱۵۵

فرکانس ۱۱۶۴۲ افقی

اک ای سی ۵/۶

سیگنال ریت ۲۷۵۰۰



ج دوم: هر چند که زنان با لباس قرمز به اعتراض پرداختند اما مردم و مخصوصا مردانی که در اطراف میدان سرباز محل اعتراض بودند، از آن حمایت کردند که در این راستا کسانی با پلیس درگیر شده و دستگیر شدند که لحظاتی بعد همگی آزاد شدند

ج سوم: فراخوانی برای مردم در کار نبود خود فعالین با اطلاع از حضور زیاد مردم در روزهای جمعه در دشت بیلو جهت تفریح با برنامه ریزی قبلی و آماده کردن بیانیه و تراکت و پلاکارد به آنجا رفته و آنجا با گشتن بین مردم و حمل پلاکارد و قرائت بیانیه مردم را دعوت به همراهی نمودند

ج چهارم: قطعنامه و بیانیه که روی صفحه گذاشته شده. هر چند که خواستیم جهت دارانه و این بار برای حاشیه ای کردن خواستهای ناسیونالیستها نه فقط به مسئله زن که به نقد حرکت ناسیونالیست ها هم بپردازیم

ج پنجم: جهت سنت شکنی و جلب توجه زنان به اینکه کسانی و مردانی هستند که موقعیت و شرایط استثمار و بی حقوقی آنان را درک می کنند

ج ششم: عکس العمل ها و حمایت ها که تا حالا مثبت بوده و امیدوارم ادامه داشته باشد.*

"هر چند که خواستیم جهت دارانه و این بار برای حاشیه ای کردن خواستهای ناسیونالیستها نه فقط به مسئله زن که به نقد حرکت ناسیونالیست ها هم بپردازیم" در فیس بوک این سوال ها را برای سایت زنان سرخ پوش فرستادم. سوال و جواب در دو بخش جداگانه است.

نسان نودینیان

با سلامهای گرم، و درود بر شما برای این اقدام ابتکاری و اعتراضی مهم. آیا کسی از شما آماده است به این چند سوال من حتی اگر با اسم مستعار هم باشد، جواب بدهد. سوال اول: این اقدام اعتراضی شما چطور به سرعت انجام گرفت. ایده و الگوی شما چی بود؟

سوال دوم: عکس العمل مردم در همان لحظات اول چگونه بود؟ سوال سوم: تجمع دشت بیلو را چطور فراخوان دادید؟

سوال چهارم: لطفا یک کمی در مورد قطعنامه برایمان بگویید (یا بنویسید)

سوال پنجم: در مورد مردانیکه لباس زنانه پوشیده اند نظر خودتان را بگویید (بنویسید)

سوال ششم: در مورد عکس العمل خارج کشور نظرتان را بنویسید

پیام شما به مردم در شهرهای کردستان و ایران و خارج از کشور چیست؟

زنان سرخ پوش مریوان

ابتدانا سلام بر شما
ج اول: در روزهای اول بطور خودجوش بود

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!